

نمی‌توانیم تجارت انرژی‌مان را مبتنی بر صادرات نفت استوار کنیم و طراحی ما نباید به این شکل باشد که فقط نفت خام را به صورت حداکثری صادر کنیم. کارشناس ارشد انرژی افزود: تحریم‌پذیری نفت برای ما اثبات شده است و دلایل آن هم به ساختار بازار نفت برمی‌گردد که امکان تحریم فروش نفت ایران را ایجاد می‌کند. در نقطه مقابل، ما در حوزه تجارت گاز و در حوزه صادرات فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی، تحریم‌پذیری بسیار کمتری را تجربه کردیم و تقریباً این سه دسته محصولی که نام بردم با تحریم جدی مواجه نشدند. البته سختی‌هایی برای فروش و برگرداندن پولشان وجود داشته است ولی تحریم نشدند.

وی گفت: لذا نکته اول این است که ما باید به سمت باز معماری تجارت انرژی ایران حرکت کنیم. یعنی تجارت انرژی سنتی‌مان را که مبتنی بر صادرات حداکثری نفت است به سمتی ببریم و طراحی مجدد کنیم به طوری که وزن محصولاتی که تحریم‌پذیری‌شان کم بوده است در تجارت انرژی بیشتر شود. همچنین رویکرد عمده ما به نفت خام به دلیل تحریم‌پذیری بالا، باید این باشد که نفت خام را در پالایشگاه‌ها به فرآورده و محصولات پایین‌دستی و توسعه زنجیره ارزش افزوده، تبدیل کنیم.

ایران در حوزه تجارت انرژی باید شرکای راهبردی برای خود انتخاب کند

ظفریان اظهار داشت: نکته دوم اینکه با وجود قید تحریم، ایران باید در حوزه دیپلماسی انرژی برای هر کدام از کشورها برنامه و طراحی مجزایی داشته باشد. مثلاً این عبارت که ما به صورت کلی به اروپا گاز صادر کنیم بی‌معنی است. شما باید مشخص کنید که در اروپا به چه کشورهایی می‌خواهی گاز صادر کنی. یا اینکه ما نفت را به شرق آسیا صادر کنیم معنی‌دار نیست. در شرق آسیا، وضعیت چین با ژاپن و کره جنوبی برای ما متفاوت است. لذا در اینجا این موضوع قابل نتیجه‌گیری است که ایران در حوزه تجارت انرژی باید شرکای راهبردی برای خود انتخاب کند.

دیپلماسی انرژی ایران باید در جهت تقویت رویکرد منطقه‌گرایی و شرق‌گرایی حرکت کند

وی ادامه داد: نکته سوم اینکه ما به عنوان کشوری که اعتقاد دارد نظم بین‌الملل باید به گونه دیگری مستقر باشد و مبتنی بر آرمان‌هایی انقلاب کرده است، باید بتوانیم از ابزار دیپلماسی انرژی خود در راستای سیاست خارجی مطلوب کشور استفاده کنیم. بیان ساده‌اش این است که ما مثل نروژ نیستیم که نگاهمان به فروش گاز یا نفت خود یک نگاه صرفاً اقتصادی و فارغ از نگاه استراتژیک باشد.

ظفریان عنوان کرد: حوزه دیپلماسی انرژی به دلیل اینکه انرژی مزیت جدی ایران است باید بتواند در خدمت سیاست خارجی کشور حرکت کند. در

حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی انرژی به دو معنا می‌تواند ایفای نقش کند؛ نخست اینکه دیپلماسی انرژی می‌تواند ابزار بازدارندگی برای کشور ایجاد کند، دوم اینکه زمینه‌ساز توسعه روابط سیاسی ما با کشورهای هدف شود.

این کارشناس ارشد انرژی گفت: در حال حاضر دو رویکرد منطقه‌گرایی و شرق‌گرایی در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. دیپلماسی انرژی ما بتواند زمینه‌ساز و مقوم این دو رویکرد باشد، یعنی برای این دو رویکرد زمینه‌سازی کند یا در نقاطی در تعامل با کشورها، بازدارندگی ایجاد کند.

تعامل با کشورهای مختلف مبتنی بر منافع ملی ایران تعریف می‌شود

وی تأکید کرد: البته این نکته را توجه کنید که تعامل با کشورهای مختلف مبتنی بر منافع ملی ایران تعریف می‌شود. ما هیچ کشوری را نباید دوست خودمان بدانیم و همواره باید تعاملات‌مان در سطح سیاست خارجی و ذیل آن دیپلماسی انرژی را مبتنی بر منافع ملی تعریف کنیم.

ظفریان گفت: بنده به دو دلیل نسبت به توفیقات کشور در حوزه دیپلماسی انرژی خوشبین هستم؛ نخست اینکه وزارت نفت و به صورت خاص شخص وزیر نفت چنین نگاه‌هایی به حوزه دیپلماسی انرژی دارد و عملکردش هم در یک سال اخیر نشان می‌دهد که این حوزه برای ایشان دارای اولویت است.

وی افزود: نکته دومی که ایجاد امیدواری می‌کند تحولات انرژی دنیا بعد از جنگ اوکراین است که به نظرم این فرصت را برای ما ایجاد کرد که بتوانیم نقش خودمان را در حوزه تجارت انرژی دنیا بویژه در حوزه تجارت گاز مجدداً تعریف کنیم. مبتنی بر این دو نکته من امیدواری زیادی دارم که در واقع دیپلماسی انرژی در یکی دو سال پیش‌رو بتواند به نقطه مطلوبی برسد.

تجربه تحریم نشان داد که چین یکی از مشتریان راهبردی نفت ایران است

ظفریان درباره زمینه‌های همکاری ایران و چین گفت: تجربه تحریم نشان داد که چین از جمله مشتریان راهبردی نفت ایران است که می‌توان در بلندمدت نیز روی آن حساب باز کرد. در بین کشورهای شرق آسیا، ژاپن و کره جنوبی همواره با تحریم‌های امریکا همراهی کردند و در واقع خرید نفت از ایران را تحریم کردند، اما چین به عنوان یک ابرقدرت، تسلط امریکا بر خود را نمی‌پذیرد و در آینده نیز شکاف و رقابت این دو کشور رو به افزایش خواهد بود.

کارشناس ارشد انرژی گفت: نکته بعدی این است که به دلیل گستردگی پالایشگاه‌های چین، این کشور انواعی از پالایشگاه‌ها را دارد که مستقیماً می‌تواند با کشورهای تحریم‌شده تعامل کند. نکته سوم این است که چین دارای اقتصاد بزرگ رو به رشد با جهت‌گیری توسعه فناوری است. پس این ظرفیت وجود دارد که ما با چین به لحاظ فروش نفت

تعامل بلندمدت ایجاد کنیم. یعنی تعامل نفتی با چین در بلندمدت با قید تحریم ما سازگار است.

وی عنوان کرد: لذا مبتنی بر همان تحلیلی که ارائه دادم، فروش نفت ما به چین، زمینه‌ساز توسعه روابط سیاسی ما ذیل رویکرد شرق‌گرایی است. ما باید بتوانیم در توافق ۲۵ ساله با چین که کلیات آن منعقد شده است به سمتی حرکت کنیم که یک شراکت راهبردی با چین داشته باشیم. در واقع تجارت نفت ایران و چین فراتر از یک تجارت اقتصادی صرف است.

ظفریان خاطر نشان کرد: البته در عرایض خود گفتم و مجدداً تأکید می‌کنم که همه این اقدامات مبتنی بر منافع ملی



است. یعنی چین بر اساس منافع ملی خودش حرکت می‌کند، ما هم بر اساس منافع ملی خودمان، اما وضعیت سیاسی و اقتصادی دو کشور این را نشان می‌دهد که چنین ظرفیتی برای شراکت بلندمدت و ایجاد یک بازی برد-برد بین دو کشور وجود دارد.

سهامداری ایران در پالایشگاه‌های ونزوئلا یک اقدام راهبردی است

کارشناس ارشد انرژی درباره ظرفیت‌های ونزوئلا برای تعامل نفتی گفت: تعاملات مختلفی را می‌توان با ونزوئلا طراحی کرد که یکی از آنها صادرات نفت و میعانات گازی ایران به این کشور است. ونزوئلا به میعانات گازی ایران برای افزایش فروش نفت نیاز دارد. یک گزینه دیگر احیای ظرفیت پالایشی ونزوئلا از طریق تعمیرات اساسی و صدور خدمات فنی و مهندسی